

«ایران» از عاشورای متفاوت امسال بعد از جنگ ۱۲روزه گزارش می دهد

روایت عشق اشک و ارادت

گروه اجتماعی - عاشورا وعدهگاه عاشقان ایا عبدالله است، اما عاشورای امسال با همه سال های قبل فرق می کرد. در گوشه و کنار ایران، عشقی به وطن میان عزاداران موج می زد؛ از نوای «ای ایران ایران، دور از دامن پاکت دست دگران»، تا موکب هایی که در کنار چای و شربت، پیکسل ها و پرچم های سه رنگ ایران را به مردم هدیه می دادند. عشق حسین (ع) در کنار جادوی عشق وطن، موجی از همبستگی و انسجام ایجاد می کند، هر کسی هر چیزی را که دارد در طبق اخلاص می گذارد و تقدیم عزاداران حضرتش می کند، از پزشک تا پاکبان، از پیر تا جوان. این موج و این عشق معجزه می کند. روایت هایی از این معجزه را می خوانید.

را می می کردند، در شهرک شهید بهشتی موکبی بیشتر از همه جلب توجه می کرد، موکبی با پارچه های شام غریبان هم برنامہ داریم.» داخل روی صندلی داخل موکب نشسته و روبه رویش خانومی دیگر، مشغول صحبت بودند. روی تابلوی کنار موکب نوشته شده بود، «وزیت رایگان، پزشک ویژه بانوان» دکتر سمیه

فریدون چاه جراح و متخصص زنان و زایمان، مادر سه بچه است و با توجه به شرایطی که دارد، معمولاً حضور در چنین جمع هایی کمی برایش دشوار است. اما امسال تصمیم گرفته بود نه تنها حضور پیدا کند، بلکه قدم خیری هم در راه امام حسین (ع) و کمک به مردم بردارد. به همین دلیل به کمک همسرش خیمه ای

عشق وطن در عاشورای ایل

صبح عاشوراست؛ امسال انگار بعد از جنگ ۱۲روزه کشورمان با رژیم صهیونیستی، داغ عاشورا هم تازه تر شده است. در و دیوار مهدیشهر خاستگاه عشایر ایل سنگسری، پر از عکس های شهدای نظامی و غیرنظامی است و نوشته ای که اعلام می کند؛ «این شهر عزادار عزیز زهراست.» برای عشایر ایل سنگسری، روزهای عزای امام حسین (ع) روزهای خاصی است. نخل که اینجا به آن «مفه» می گویند، نخلی با قدمتی بیش از ۵۰۰ سال، هر سال عزای حسین (ع) را با مردمان ایل نجوا می کند. روز عاشورا موعد سیاه پوش شدن نخل است. جوان سقایی سبزیپوشی، وسط دسته عزاداری مشک آب را به دوش می افکند و در گاسه های مسی به مردم آب می دهد. مداح به زبان سنگسری می خواند. هوا گرم است، گرمای کویر خشک و سوزان است، مثل کربلا. حبیب الله تا همین چند لحظه قبل بین سینه زنان بود و حالا می خواهد گویی تازه کند؛ به نظار «امسال همه جا کربلاست.» حبیب الله ۷۳ ساله و دامدار است. برای او مهم نیست که هیچ کدام از شهدا از ایل و تبارش نبوده اند، «ایرانی و هموطن که بوده اند؛ همین برای او کافی است تا عزای امسالش را متفاوت کند. «خون ایرانی در رگ های ایل جریان دارد»، پیرمرد اینها را که می گوید، گریه امانش نمی دهد: «امسال، هم به عزای حسین (ع) نشسته ایم و هم به عزای کسانی که بی گناه کشته شده اند.»

در همه خانه ها باز است

دسته سینه زنان و زنجیر زنان حرکت می کند. اینجا خبری از علم های رنگارنگ و کیلومتری نیست، اما تا دلشان بخواهد اخلاص است. «مفه» توسط عده ای جوان بین عزاداران به حرکت درمی آید. زنان و کودکان برای تیرک از زیر آن رد می شوند. طبق یک باور قدیمی، سرت را پایین می اندازی، چشمانت را می بندی، نیت می کنی و از زیر آن رد می شوی و برمی گردی؛ اگر تا سال آینده به حاجت رسیدی، یک روسری رنگی به نخل می بندی. بالای نخل پر از روسری های رنگارنگ است. اینجا در همه خانه ها باز است، هر کسی به اندازه وسع و توانایی اش نذری می دهد. مش قاسم ۸۵ ساله و پیرغلام است. در حیاط خانه، فرش انداخته و سماوری بزرگ، استکان ها و نعلیکی ها ردیف و یک ظرف بزرگ تخم مرغ پخته، نان، ماست محلی و میوه ها خنک آماده است. مردم گروه گروه می آیند، می نشینند، نفسی تازه می کنند و باز مسیر را ادامه می دهند. برای مش قاسم هم حکایت عاشورا هر سال تازه تر از سال قبل است. او می گوید: «برای ما مردم این خطه، امام حسین (ع) همه چیز است. با پیروی از او است که هیچ گاه سردر برابر ظلم خم نکرده ایم. ما مردمان سربداران و مشتی پروری ها هستیم. زمین و خاک برای ما همه چیز است.» مش قاسم داستان رشادت های قهرمانان شهوش را متأثر از فرهنگ عاشورا می داند و می گوید: «به بچه های سیاه پوش سینه زن نگاه کن، ما عشق حسین را سینه به سینه از پدرانمان به ارث برده ایم.»

در غم بازماندگان شریکیم

اینجا نذری ها هم ساده و بی پیراه است. عمده محصولات این شهر لبنیات است و باغ های میوه. گلی خانم با لقمه های کوچک نان و ماست محلی و همسرش با کتری شیر شیرین از مردم پذیرایی می کنند، دختر بچه ای هم ظرفی پر از گردو را می چرخاند. گلی خانم می گوید: «هر سال بخشی از محصولات باغ را برای محرم نگه می داریم، انگار همین مراسم به باغ کوچکانم پرکت می دهد.» برای او عاشورا از غزه و فجایی که در آنجا اتفاق افتاده شروع شده و با داغ بچه های کشته شده در جنگ دوازده روزه کشورمان حال و هوای دیگری پیدا کرده است: «عکس هر کدام از بچه ها را که می دیدم، دلم آتش می گرفت. بچه های خودم را جای آنها می گذاشتم، به خصوص برای آن کودک دو ماهه جگرم آتش گرفت. نمی دانم خانواده های آنها چه می کنند اما ما هم در غم تک تکشان شریکیم.»

متفاوت بنا کرده بود تا مردم را رایگان وزیت کند: «ایستگاه علواتی نزدیک منزلم مکان مناسبی بود تا زمانی در این شب ها و روزهای حسینی قدمی هرچند کوچک، بردارم. شاید نتوانم در تخصصم به مردم در این مکان کمک کنم، اما در حد پزشک عمومی می توانم. اینجا فشارخون می گیرم، جواب آزمایش ها را می بینم، آزمایش



وطنم را دوست دارم

چند دختر نوجوان نده نمده هم با شلوارهای بگ و تیشرت های سیاه گوشه ای ایستاده اند؛ مونا، مریم و آزاده از تهران به همراه خانواده به اینجا آمده اند. اصالتاً سنگسری هستند و از روزهای اول جنگ به خانه پدر بزرگ پناه آورده اند. هنوز خاطرات صدها شبانه را فراموش نکرده اند، اما بعد از عاشورا باید به پایتخت برگردند. مونا می گوید: «من هیچ وقت از اینجا خوشم نمی آمد، اما این چند وقت متوجه شدم در زندگی از چه چیزهایی غفلت کرده ام.» برای او عاشورای اینجا ساده و صمیمی است، درست مانند زندگی مردمانش. اما عاشورا برای مریم، خواهرش متفاوت است؛ وقتی مداح از وطن می خواند، اشک آماش نمی دهد و با گریه می گوید: «من تا قبل از این ماجرا از خیلی چیزها راضی نبودم، شاید الان هم راضی نباشم، اما دلم برای کشورم و مردم بی گناهی که جانشان را از دست دادند، می سوزد. من عاشق همه جای این سرزمین هستم. ایران خانم زیبا برای من مثل پدر و مادر و خانواده ام عزیز است.» کمی آن سوتر چند جوان از دسته عزاداری خارج شده اند، از همان هایی هستند که نخل را حرکت می دهند، انگار می خواهند نفسی تازه کنند. بیشترشان قد بلند و چهارشانه هستند؛ آرش و علیرضا با هم حرف می زنند، پرشور و حرارت برای دوستان دیگرشان از شب عاشورا می گویند؛ شبی که رهبر انقلاب برای عزاداری شب عاشورا، به حسینیه امام خمینی (ره) رفت. علی، جوان پاکبان نارنجی پوش هم پشت سر دسته عزاداران با یکسره ای بزرگ قدم برمی دارد و زباله ها را جمع می کند. می پرسم امروز که روز کاری نیست، فردا جمع می کنید، می گوید: «نذر دارم. خدمت به عزاداران اسام نوازش از هر کاری بالاتر است. همه کارها که نباید به خاطر پول و حقوق باشند.»

عشق، نخل را حیدری می کند

هنوز تا اذان ظهر مانده، جمعیت به پای کوه رسیده، مردان ایل طبق سنتی ۵۰۰ساله، باید نخل را حیدری کنند. نخل را بر دوش می کشند و می دوند، نوای حیدر حیدر به گوش می رسد، مداح به یاد غریبی و بی یاری حسین می خواند، عزاداران زیر نخل حیدر حیدرکنان از پایین کوه به بالا می دوند. هوا گرم، نخل سنگین و سربالایی کوه طاقت فرساست، اما «عشق» نخل را حیدری می کند. به بالای کوه که می رسند، صدای الله اکبر اذان ظهر عاشورا به گوش می رسد، شوری برپاست. نخل، سیاه پوش عزای امام حسین می شود، صدای گریه و نوحه فضا را پر کرده است. کمی آن طرف تر خیمه ها را آتش زده اند و بر ذوالجناح رنگ خون پاشیده اند، نوحه خوان می خواند: در روح و جان من می مانی ای وطن...

اجتماعی



پرچم ایران در کنار بیرق عاشورایی قرار گرفت و صدای طبل و سنج و دمام در محله های شهر پیچید. روز عاشورا در محله بازار بزرگ تهران رنگ و بوی دیگری داشت؛ عزاداران سیاه پوش در گرمای ظهر ۱۵ تیرماه زنجیروار دور می زدند. در خیابان های اطراف هم دسته های عزاداری راه افتاده بودند. از جنوبی ها و عرب ها تا زنجیر زنان ترک و سینه زنان شمالی همراه با طبل های بزرگ و کوچک عزادار سرور و سالار شهیدان بودند. امسال محرم و عاشورا با غم از دست دادن شهدا و اقتدار اجتماع پیوند خورده بود. برای همین در کنار نام امام حسین (ع) و شهدای واقعه کربلا اسامی شهدای این چند روز اخیر هم شنیده می شد. مداح هیاتی بزرگ در بازار تهران، اسامی تک تک شهدای هسته ای و فرماندهانی را که در حملات رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند، پشت بلندگو بر زبان آورد و جایشان را خالی کرد: «اگر در عاشورای امسال می توانیم برای آقا امام حسین زنجیر بزنیم و عزاداری کنیم مدیون امنیتی هستیم که شهدای این جنگ تحمیلی اخیر برایمان به ارمغان آوردند؛ شهدایی که از جان خود برای میهن اسلامی گذشتند.»



وطن ناموس ماست

امیرحسین ۱۷ساله یکی از زنجیر زنان دسته بزرگ بازار تهران است. او از یکدل و یک صدا شدن مردم ایران در روز عاشورا می گوید: «ما به جهانیان ثابت کردیم، یکدل و هم صدا هستیم و هیچ قدرتی نمی تواند اتحاد و همبستگی ما را از این بین ببرد. با همین اجتماع عاشورا هم ارادتمان به آقا اباعبدالله الحسین (ع) اثبات شد و هم یکپارچگی ملت در برابر دشمن اسلام کشورمان را به همه نشان دادیم. ما مشکي پوشان آقا امام حسین (ع)، ثابت کردیم ما میدان هستیم و وطن، پیروزی ماست و عاشورای اینجانب صهیونی حتی فکر تجاوز به این خاک را داشته باشند.»

خانم سمنی که برای عزاداری عاشورا به بازار و حوالی خیابان ۱۵ خرداد آمده هم از حال و هوای متفاوت عاشورای امسال گفت: «من محرم های زیادی دیده ام. اما امسال در کنار عزاداری باید به همه مردم دنیا نشان دهیم که چه اقتداری داریم. امروز به دنیا نشان دادیم تک تک ما پشت هم هستیم. ایران همیشه و در هر مدیانی پیروز است.»

سازمان و خواستیم حضورمان در مرکز کشور پررنگ تر باشد تا دشمن بفهمد نمی تواند ذره ای از همت و ایمانمان کم کند ما تا آخر می مانیم.»

می نویسم، برای بیماری های متداول دارو تجویز می کنم. زمانی هم که بیمار نیاز به درمان تخصصی داشته باشد، سعی می کنم راهنمایی اش کنم تا پیش متخصص مناسب برود.»

روز ۱۲ جنگ تحمیلی رنگ و بوی دیگر دارد: «عاشورا برای مردم فقط یک مراسم عزاداری نیست، بلکه تجدید میثاق با ولایت است. مردم ایران مثل همیشه در صحنه هستند و در مواجهه با تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی همان مسیر امام حسین (ع) را ادامه می دهند. همان گونه که امام حسین (ع) در برابر لشکر یزید تسلیم نشد، مردم ایران با اقتدار، در برابر این تجاوز ایستاده اند چرا که راه امام سوم شیعیان هیچ وقت نه کهنه می شود نه قدیمی. دشمن نداند با هیچ ابزاری نه تسلیحاتی و نه رسانه ای، نمی تواند ذهنیت حسینی را از مردم بگیرند، چرا که حسین (ع) و واقعه عاشورا به رگ های تک تک ایرانیان پیوند خورده است.»

آقا حسین بختیاری با صورتی که در برق آفتاب سرخ شده، سینه زنان کنار خیابان دسته عزاداری را همراهی می کرد. او در واکنش به این پیشنهاد که چرا نمی روید داخل دسته، این طور جواب می دهد: «۶۵ سالم است و دیگر برای زنجیر زنی پیر شده ام، ولی دین این جوانان غیور در دسته های عزاداری حس خوبی به آدم می دهد. نشان می دهد راه حسین هیچ وقت برای هیچ تکراری نمی شود. همان گونه که خون امام حسین (ع) اسلام را زنده نگه داشت، خون شهدای امروز هم حقانیت کربلا و عاشورا را زنده نگه می دارد. ۱۴۰۰ سال پیش یزید برای شکست امام حسین، از تفرقه میان مردم استفاده کرد. امروز هم دشمنان ما می خواهند با ایجاد اختلاف میان مردم جولان دهند. اما ۱۲ روز جنگ ایران با رژیم کودک کش صهیونی تمام معادلات را برهم زد و مردم را متحدتر کرد. وحدت ملی، بزرگ ترین سلاح ایرانیان در برابر توطئه های دشمن است.»

ملت ایران با الهام از عاشورا، ثابت کرده که مقاومت، تنها راه پیروزی است. در این روزهای حساس، باید پیش از پیش متحد باشیم؛ موضوعی که جمعی از بانوان محله استخر تهران بر آن تأکید دارند: «رمز موفقیت اتحاد مردم است. راه شهدای کربلا و شهدای امروز یکی است هر دو حق علیه باطل. خون شهدایان، چراغ راه آینده است، و وعده خداوند درباره ناموس ماست و حق بر باطل، شاهد است.» خانم محمدی یکی از بانوان این جمع پرشور، عاشورا را مکتبی زنده برای همه دوران ها می داند و معتقد است، فرقی نمی کند، با حجاب باشید یا کم حجاب، پای این مکتب و خاندان که به میان آید، همه عاشورایی می شوند: «۱۲ روز پر استرس را پشت سر گذاشتیم اما ذره ای از ایمان و اعتقاد مردم به کشور و حکومت و اسلام کم نشد که هیچ، حتی افرادی هم که نظرات انتقادی نسبت به عملکرد مسئولان داشتند، امروز یکدل و یک صدا شدند. بجمده الله امسال، شور و شکوہ بیشتری را شاهد هستیم. مردم با عشق به حضرت سیدالشهدا (ع)، مراسم ها را نه تنها به حضور گسترده، بلکه با بصیرت و محتوا برگزار می کنند.»

جای خالی شهدا

اجتماع بزرگ ایرانیان در روز عاشورا جلوه ای از وحدت دل های مسلمین با هر گرایش و نگرشی را برای جهانیان به نمایش گذاشت. در گوشه و کنار شهر،



ملت ایران با الهام از عاشورا، ثابت کرده که مقاومت، تنها راه پیروزی است. در این روزهای حساس، باید پیش از پیش متحد باشیم؛ موضوعی که جمعی از بانوان محله استخر تهران بر آن تأکید دارند: «رمز موفقیت اتحاد مردم است. راه شهدای کربلا و شهدای امروز یکی است هر دو حق علیه باطل، شاهد است.»

خانم محمدی یکی از بانوان این جمع پرشور، عاشورا را مکتبی زنده برای همه دوران ها می داند و معتقد است، فرقی نمی کند، با حجاب باشید یا کم حجاب، پای این مکتب و خاندان که به میان آید، همه عاشورایی می شوند: «۱۲ روز پر استرس را پشت سر گذاشتیم اما ذره ای از ایمان و اعتقاد مردم به کشور و حکومت و اسلام کم نشد که هیچ، حتی افرادی هم که نظرات انتقادی نسبت به عملکرد مسئولان داشتند، امروز یکدل و یک صدا شدند. بجمده الله امسال، شور و شکوہ بیشتری را شاهد هستیم. مردم با عشق به حضرت سیدالشهدا (ع)، مراسم ها را نه تنها به حضور گسترده، بلکه با بصیرت و محتوا برگزار می کنند.»

جای خالی شهدا

اجتماع بزرگ ایرانیان در روز عاشورا جلوه ای از وحدت دل های مسلمین با هر گرایش و نگرشی را برای جهانیان به نمایش گذاشت. در گوشه و کنار شهر،

دیگری دارد، اصلاً جور دیگری است. خانه بعضی از مردم محل در میدان ۸ نارمک به دست اسرائیل ویران شد و مردم عادی کشته شدند و خیلی از اهالی محلمان این روزها عزادار هستند. به همین دلیل امسال همه چیز برای من متفاوت از سال های دیگر است. من دلم برای همه کسانی که کشته شده اند می سوزد، ولی بیشتر دلم برای بچه های کوچکی می سوزد که در این حمله ها بیگناه شهید شدند، خواستم با این گرم دینم را به بچه های شهید ادا کنم.»

حلقه ای از جوانان دهه هشتادی با ظاهر متناسب با سلیقه خاص خودشان در دسته عزاداری زنجیر می زنند. حتی بعضی از آنها روی گردن و دست هایشان تئو دارند. یکی از آنها که سنگین وزن تر از دوستانش است، سر و پیشانی از عرق خیس شده را با شال مشکی پاک می کند. نامش امیرعلی است. امیرعلی سال اول دانشگاه آزاد و

امسال همه چیز فرق دارد

محله قدیمی نارمک در حمله های اخیر رژیم صهیونیستی در تیرسروشک و بمب بود، اما نه شکست و نه فرو ریخت. حتی امسال عاشورا با اینکه تصاویر ساکنان شهید این محله بر در و دیوار آویخته شده بود، شور و عشق به سرور و سالار شهیدان بود که موج می زد و خودنمایی می کرد. امیر بیگلری یکی از همان شهداست که عکسش بر سردر یک تکیه عزاداری دیده می شود. صدای محمود کرمی که ترانه معروف محمد نوری را با نوایی عاشورایی می خواند در میدان می پیچد: «در روح و جان من می مانی ای وطن» وطنی که در این تاسوعا و عاشورای حسینی غم مضاعفی تجربه و معنای شهید وطن را بیش از پیش لمس می کند.

شایان متولد سال ۸۶ است. متولدین ۸۶ امسال کنکوری هستند. شایان با

دوستان هم سن وسالش در تکیه از عزاداران پذیرایی می کند. او برای اولین بار است که در روز عاشورا در مراسم عزاداری شرکت می کند. «سال های پیش در عزاداری ها نبودم. اما امسال به خاطر ایران و امام حسین اینجا هستم. امسال محرم برای من معنی



وزیت رایگان پزشک بانوان

خیابان های شهر در شب ها و روزهایی که گذشت و به خصوص روز عاشورا رنگ و بویی دیگر داشت. پیام جوانان ایران در روز عاشورا، ایستادگی، مقاومت و آمادگی برای دفاع از حق و حقیقت است. اگر رژیم صهیونیستی یا دولت آمریکا دچار توهم تجاوز مجدد شوند، پاسخ ملت ایران و فرزندان،ش، بشیمان کننده و گوینده تر خواهد بود. شنیدن این سخنان از چند جوان دهه هشتادی و هفتادی در دسته عزاداری جان آدمی را خنک می کند، آن هم زمانی که تیغ آفتاب بر سر صورتشان نشسته است و فریاد حسین، حسین سر می دهند. فرقی نمی کند، برای کدام محله و منطقه باشند، دوست باشند یا اصلاً یکدیگر را نشناسند اما وحدت کلامشان نشان از یک فکر و عقیده داشت.

همان طور که دسته های عزاداری حسینی یکی پس از دیگری خیابان ها